

بود که هویدا را بگیرد و خیال می کرد که اگر هویدا را بگیرد اوضاع آرام می شود.»

محمد ابراهیم امیر تیمور رئیس سابق شهربانی کل کشور و وزیر کشور در دوران پهلوی در گفت وگو با پروژه تاریخ شفاهی هاروارد خاطره ای از دوران وزارت دربار اردلان و تلاش برای اقناع شاه به عدم ترک کشور تعریف می کند: «همان روز شاه بعد ازظهر اجازه داد من رفتم خدمت او و وقتی رفتم پیش شاه هق، هق گریه می کردم.... من به او گفتم... این شاهنشاهی دارد سقوط می کند... مرد و مردانه الان ببایید بیرون بروید پشت رادیو اعلام کنید، بگویید ملت من این که تا حال سکوت را اختیار کرده ام برای این بوده است که خواستم ملت ایران دشمنان خودش را که قصد دارند ایران را متشتت بکنند و ایران را منشعب بکنند بشناسد. حالا که دشمنان ایران شناخته شده است من حاضرم تا آخرین قطره خون خودم را بریزم، دشمنان ایران را سر جای خودشان بنشانم، پس از آن اگر شما ملت ایران من را خواستید به خدمتگزاری خودم حاضرم ادامه بدهم و اگر هم من را نخواستید باز هم با کمال میل هر کس را که شما بخواهید من هم با همان موافقت می کنم، کمک می کنم که خواسته شما به شاهنشاهی انتخاب بشود و باید آن کار بشود... همین جور نگاه کرد به من، هی نگاه کرد به من. جواب نداد. بالاخره هم فریاد کشیدم آقا چرا به من جواب نمی دهید؟ من بیش از این نمی توانم منتظر بشوم، اشکم جاری، خیلی اوقاتم تلخ بود. گفت باید فکر کنم، باید فکر کنم، باید فکر کنم، این بود از جایم پا شدم... شب رفتم منزل آقای اردلان وزیر دربارش. اول دفعه هم بود که خانه اردلان می رفتم، با برادرش حاجی میرزا مالک اردلان دوست بودم با او خیلی دوستی داشتم، که با این اردلان آشنایی داشتم اما رفت و آمدی که به خانه اش بروم نبود. به خانه اردلان نرفته بودم بنده، آن روز رفتم به خانه آقای اردلان که وزیر دربار بود گفتم آقا شما وزیر دربار شاه هستید می بایست حقایق را به عرض او برسانید و الان من از خراسان آمدم و رفتم پیش ایشان این طور به ایشان گفتم، این طور گفتم، این طور گفتم، این طور گفتم، به من جوابی نداد، بعد فرستادم دیگری را به آن دیگری هم این طور جواب نداد، شما چرا حقایق را به او نمی گوید و اوضاع مملکت را به این صورت چیز. گفت فلائی اجازه بدهید من اول بیایم لب و دهن شما را ببوسم، پا شد آمد لب و دهن من را ببوسید. گفت به حق خدا قسم فلائی هر روز این هایی که شما می گوید ما به او گفته ایم و می گوید من اهل این کار نیستم نمی کنم، باید بروم من، می خواهم بروم و گفت می گوید فقط می خواهم بروم، می خواهم بروم، می خواهم بروم و خواهد رفتش. این بود که سه روز بعدش هم گذاشت و آمد. دو سه روز بعدش هم خمینی وارد شد، بعد هم آن بازرگان نخست وزیر شد، بازرگان هم که نخست وزیر شد، بعد از سه و چهار، سه روزش هم من حرکت کردم آمدم به آمریکا.»

فرح دیبا در خاطرات خود از حضور اردلان در جمع مقاماتی که شاه را برای خروج همیشگی از کشور همراهی کردند، یاد می کند: «محمدرضا از آنکه مجبور به ترك وطن شده بود به شدت متأثر و ناراحت بود ساعت از يك بعدازظهر گذشته بود که ما در میان بدقه دکتر شاهپور بختیار (نخست وزیر) دکتر جواد سعید (رئیس مجلس شورای ملی) دکتر علیقلی اردلان (وزیر دربار) و فرماندهان عالی رتبه ارتش و گروهی از رجال و شخصیت های مملکتی فردگاه مهرآباد تهران را ترك گفتیم.» اردلان پس از استعفاي جلال الدین طهرانی رئیس شورای سلطنت از حضور در وزارت دربار خودداری کرد و در پیامی خطاب به کارکنان آن وزارت اعلام کرد که از آن تاریخ سمتی در وزارت دربار ندارد. ۲۸ اسفند ۱۳۵۷، به حکم کمیته انقلاب اسلامی شمیران دستگیر و به زندان قصر تحویل داده شد و تا بیست و دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ در بازداشت ماند. سپس، دادستان انقلاب اسلامی تهران حکم آزادی وی را صادر کرد. سرانجام در ۱۲ مرداد ۱۳۶۵، به علت کهولت سن و ابتلا به بیماری پنومونی، درگذشت و در قبرستان ابن بابویه شهر ری به خاک سپرده شد. فریدون مجلسی، دیپلمات پیشین وزارت امور خارجه درباره وضعیت اردلان پس از وقوع انقلاب می گوید: «نصرالله انتظام و علیقلی اردلان به زندان افتادند و اموال شان مصادره شد. اردلان پس از زندان به کار تحقیق و نویسندگی آثار سیاسی ادامه داد. پسر اردلان دیپلمات و آخرین مأموریت او واشنگتن بود و در آمریکا ماند. همسر اردلان نیز نوه حاج محتشم السلطنه اسفندیاری بود.»

علیقلی اردلان با وجود مشاغل متعدد پیش از انقلاب نیز به انتشار مقاله و کتاب علاقه داشت اما همانگونه که فریدون مجلسی می گوید او پس از انقلاب به مطالعه و تحقیق و تألیف روی آورد و آثار متعددی توسط وی منتشر شد. او به زبان های فرانسه، آلمانی و انگلیسی آشنایی داشت. ابرقدرتی دیگر، کمر بند فقر، مقام ایران در اقتصاد جهانی به آلمانی؛ و رساله های انتخابات در جمهوری فدرال آلمان، تجزیه آلمان و قضیه برلن، روابط ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی، روابط جمهوری خلق چین و ژاپن، عضویت جمهوری خلق چین در سازمان ملل، کنفرانس امنیت و همکاری اروپا و کنفرانس شمال و جنوب درباره همکاری اقتصاد بین المللی و همچنین مقاله ترکیه در دوران بعد از خلافت برخی از آثار منتشرشده توسط اردلان هستند. اردلان علاوه بر تصدی مشاغل سیاسی، در مؤسسات و سازمان های متعددی از جمله در شورایی عالی سازمان ملی پیش آهنگی ایران، سازمان جشن هنر، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، هیئت امنای دانشگاه فرهنگ، بنیاد فرهنگی فرح پهلوی، کانون روابط فرهنگی ایران و آلمان، کمیته ایرانی بزرگداشت دوستیاب سال انقلاب آمریکا عضویت داشته است.

دائر کرد که فقط جمعی از رجال آمریکا در آن شرکت داشتند. در همان روز شاه به هنگام خرید در یکی از مغازه های هتل، با فروشنده آن که زنی زیبارو و خوش اندام بود آشنا شد و پس از معرفی خود، از وی دعوت کرد در میهمانی او در همان هتل شرکت کند. این دعوت مورد قبول فروشنده قرار می گیرد و وی در این میهمانی که عده ای از رجال آمریکا شرکت داشتند، مشارکت کرد. به محض ورود فروشنده، شاه به استقبال دختر رفته و او را به محل سالن می آورد و در تمام مدت از آن دختر جدا نشده و با یکدیگر می رقصند. این برنامه مورد تعجب میهمان ها واقع شده و هر کدام، از دکتر اردلان سفیرکبیر ایران هویت این دختر را می پرسند ولی او از شناسایی وی اظهار بی اطلاعی می کند. به هر کیفیت آن شب به پایان می رسد و فردای آن روز روزنامه های بزرگ واشنگتن عکس شاه ایران و دخترک فروشنده را با تفصیلات در صفحه اول روزنامه های خود منتشر می سازند و هر کدام پیراپه ای بر آن می افزایند. روز بعد اردلان تمام روزنامه ها را در پوشه ای قرار داده برای دیدار شاه به هتل می رود، حدود ساعت ۱۱ صبح شاه درحالی که صبحانه می خورد اردلان را احضار کرده و می گوید: «دیشب به ما خیلی خوش گذشت؛ شما چطور؟» اردلان می گوید به چاکر و سایر میهمان ها فوق العاده بد گذشت، چون همه با تعجب از من هویت آن دختر را می پرسیدند و من از همه جایی خبر بودم. بعد پوشه را که در دست داشت و پر از روزنامه های مختلف بود به شاه می دهد و می گوید: «واقعاً آبروریزی شده است». شاه نظری به روزنامه ها انداخته از اردلان می پرسد: «تو هم ناراحت شدی؟» او پاسخ می دهد: «فوق العاده ناراحت شدم». شاه با ملایمت می گوید: «گر تونی پسندی تغییر ده قضا را» و بعد اضافه می کند یک روز بعد از حرکت من به تهران، وظایف سفارت را به ارشد اعضا تحویل داده به تهران حرکت کنید و در این چندروزی هم که من در اینجا هستم ملاقات نیایید. اردلان بلافاصله به تهران آمده و حضور و برکناری خود را اعلام می دارد و بلافاصله حکم بازنشستگی خود را دریافت می دارد. «اردشیر زاهدی» به جای وی به سفارت ایران در واشنگتن منصوب می شود.

اردلان قریب ۳ سال دوران بازنشستگی خود را طی کرد تا بالاخره با شفاعت حسین علاء، سال ۱۳۴۰ به سفارت ایران در شوری منصوب می شود. این مأموریت یکونیم سال بیشتر به طول انجامید. از آنجا به سفارت ایران در آلمان غربی رفت و در سال ۱۳۴۴ مأموریتش پایان یافت. اردلان مدتی پس از بازنشستگی، وارد فعالیتهای دانشگاهی و در ۲۵ مهر ۱۳۴۶ ریاست مدرسه عالی ارتباطات را عهده دار شد. مؤسس و صاحب این مدرسه عالی، دکتر مصطفی مصباحزاده، استاد ریاست دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران را برعهده داشت و از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷، عضو هیئت امنای آن دانشکده بود و در مدت نزدیک به سیزده سال از صحنه سیاست کناره گرفت.

▼آخرین وزیر دربار پهلوی

با گسترش یافتن موج انقلاب اسلامی ایران، در چهارم مهر ۱۳۵۷، از طرف محمدرضاپهلوی دعوت به کار شد و به جاي امیرعباس هویدا عهده دار وزارت دربار پهلوی شد. وی در این سمت دست به اصلاحاتی زد. آیین نامه رفتار خاندان سلطنتی را اعلام کرد و آنها را از هرگونه اعمال نفوذ و دخالت در معامله و مشارکت در امور مرتبط با دولت، قبول شغلی در شرکت های دولتی و بانک ها و بیمه ممنوع و محروم کرد. پس از خروج شاه از ایران و تشکیل شوراي سلطنت که همه وظایف و اختیارات سلطنتی به آن محول می شد، اردلان به عضویت آن شورا برگزیده شد. وی از آنجا که اعتقاد داشت باید هر چه زودتر به بحران موجود در کشور پایان داد، به شورا پیشنهاد کرد که برای حل بحران، شورای سلطنت با سفیران کشورهای انگلستان و آمریکا و حتی شوروی وارد گفت وگو شود، اما این طرح جامه عمل نپوشید و شورا پس از چندی منحل شد. هوشنگ نهاوندی، وزیر علوم دوران پهلوی که در روزهای پایانی رژیم پهلوی نقش مهمی داشت در گفت وگو با پروژه تاریخ شفاهی هاروارد درباره چگونگی فرمان بازداشت امیرعباس هویدا نقل می کند: «رفتیم بالا و دفتر اعلی حضرت دیدیم شاه وسط اتاق دفتر خودش راه می رود.»(بفرمایید. «همه نشستند و خودش حالا ایستاده. یک مرتبه، حالا شما شوک این مطلب را می توانید بگویید، یک مرتبه گفتند که «از چند طرف به ما فشار می آید که هویدا را بگیریم، برای اینکه مردم را آرام کنیم. یکی یکی عقیده تان را بگویید.» شبهاتو خیلی تأیید کردند. وزیر دربار اردلان گفت که، «قراب بنده اصلاً سرم نمی شود این کاری که می خواهید بکنید. نخست وزیر را انسان... اعلی حضرت کسی که سیزده سال نخست وزیرشان بوده چرا می خواهید توقیف کنید از حد فهم بنده خارج است.» جواب ندادند. آقای معینیان آن گوشه ایستاده بود، گفت که «بنده قربان باید چند تا کاغذ بردارم.» فرار کرد از اتاق رفت بیرون، سسوال را که شنید از اتاق رفت بیرون. نه برای اینکه نمی خواست اظهارنظر بکند نه اینکه نخواهد، وفادار بود بیچاره. پیراسته خیلی شدید برضد هویدا، رضاطبی خیلی شدید بر ضد هویدا. پاکروان گفت که «من دوست هویدا هستم ولی مردم با او بد هستند. اگر فکر می کنید که این اوضاع را آرام بکند چرا که نه.» شهرستانی هم در مخالفت، چیز مهمی نگفت ولی تأیید کرد. به بنده که اعلی حضرت رسید، گفتند. «شما چه می گوید؟» من می گفتم «قراب من چون معروف هستم به دوست نبودن با هویدا و همه مرا دشمن هویدا می دانند و هویدا را دشمن من، من از اظهارنظر معذورم.» شاه البته تصمیم گرفته

خارجه ارتقا پیدا کرده و با ورود حسین علاء به عنوان وزیر امور خارجه توجه این دولتمرد باسابقه و صاحب نفوذ را کسب کند. علیقلی اردلان در کابینه هفتم محمد ساعد از ۵ اسفند ۱۳۲۸ تا زمان ورود حسین علاء، کفالت آن وزارت خانه را عهده دار شد. البته در تمام این دوران برادر بزرگتر او یعنی امان الله اردلان در دولت های سهام السلطان بیات، محمدساعدمر اغای و حاج علی رزم آرا، عهده دار وزارت در وزارتخانه های مختلف بود. براساس اسناد به دست آمده پس از تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام این سفارت در گزارش خود درباره علیقلی اردلان، معاون وقت وزیر خارجه به همکاری نزدیک وی با سفارت اشاره کرده و وی را میهن پرست می داند. در این سند آمده است: «وی فرزند ابوالحسن خان (فخرالملک) رئیس طایفه کرد اردلان و فرماندار سنندج می باشد که در سال ۱۸۹۹ میلادی متولد شد. او برادر امان الله اردلان استاندار فارس و وزیر اسبق داخله و همچنین برادر ناصرقلی اردلان، وکیل مجلس و عباسقلی اردلان، وابسته اقتصادی سفارت ایران در واشنگتن می باشد... از زمانی که دکتر اردلان وارد خدمت وزارت امور خارجه در تهران شد، سفارت روابط فوق العاده نزدیک و دوستانه ای با وی داشته است. وی در تمام احوال نسبت به درخواست های آمریکابرای همکاری ومشاوره در دادن اطلاعات به سفارتخانه و نیز همکاری در اتمام برنامه ها و طرح های سفارت کوشا بوده است. او به عنوان معاونت وزارت امور خارجه قابلیت های خود را با کارایی و سخت کوشی نشان داد. هر چند اقدامات او با بوروکراسی سنگین و عریض و طویل وزارت خارجه به کندی می گرایید، ولی به نحو خیره کننده ای قادر بود در مورد مشکلات و مسائل بسیاری که سفارت به وی عرضه داشته بود، اقدام سریع اعمال نماید... به طور خلاصه نظرات سیاسی وی منعکس کننده میهن پرستی او وتمایشش به کار در جهت توسعه ایران است. در خلال پنج سال گذشته وی به خوبی با رزم آرا نخست وزیر همکاری کرده است، ولی گزارش شده است که از قبول یک پست در کابینه امتناع ورزیده و اظهار نموده است که به دلایل خستگی و بیماری، پستی در خارج از کشور می خواهد.»

حسین علاء در مردادماه ۱۳۲۹ با انتصاب نصرالله انتظام به مقام سفیر ایران در واشنگتن علیقلی اردلان را به سمت رئیس هیئت نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل متحد، به نیویورک اعزام کرد و اردلان نزدیک به چهار سال در این سمت وظایف خود را انجام می داد. پس از پایان این مأموریت، دکتر اردلان به ایران بازگشت و عضویت شورایی عالی سیاسی وزارت امور خارجه را عهده دار گردید و پس از مدت کوتاهی در کابینه حسین علاء وزیر مشاور شد و بعد به وزارت صنایع و معاون منصوب گردید. در واقع علاء با جابه جایی مکرر اردلان پست اصلی را که برای او در نظر داشت به او سپرد. در دی ماه ۱۳۳۴ اردلان از سوی علاء به وزارت امور خارجه معرفی شد و این سمت را در کابینه علاء تا فروردین ۱۳۳۶ حفظ کرد و در کابینه دکتر منوچهر اقبال همچنان وزیر امور خارجه ماند. یکی از اقدامات مهم دولت علاء در این دوره تلاش برای اصرار ایران بر حاکمیت خود بر بحرین بود که اردلان نیز در آن نقش ایفا کرد. در دوران سلطنت محمدرضاشاه، حداقل در دو برهه زمانی مسئله مالکیت و حاکمیت ایران بر بحرین به صورت حادث مطرح شد. نخست زمانی که در اسفند ۱۳۲۹ در لایحه مربوط به ملی کردن صنعت نفت ایران که برای تصویب به مجلس شورای ملی ارائه شد، شرکت نفت بحرین نیز در طرح ملی شدن قرار داشت؛ چراکه مجمع الجزایر بحرین بخشی از سرزمین ایران را تشکیل می داد. بار دوم در آبان ماه ۱۳۳۶ هیئت وزیران با حضور شخص شاه لایحه ای را برای تقدیم به مجلس آماده کردند که به وضوح نشان دهنده حق و ادعای مالکیت ایران به بحرین بود. در این لایحه کشور از نظر اداره سیاسی به چهارده استان تقسیم می شد که بحرین استان چهاردهم را تشکیل می داد. بدین ترتیب، از دیدگاه ایران، منطقه بحرین از استان فارس جدا می شد و خود استان مستقلی را تشکیل می داد.

این اقدام ایران مورد اعتراض مطبوعات و دولت انگلستان و نیز نارضایتی اعراب قرار گرفت. علیقلی اردلان، وزیر امور خارجه وقت ایران در سخنرانی خود در مجلس شورای ملی در پاسخ به اظهارات مقامات انگلیسی در مجلس عوام آن کشور، گفت که حق حاکمیت ایران بر بحرین از اواخر قرن هجدهم به بعد تنها بر مبنای ادعای محض نبوده است، بلکه «در واقع و بنا به دلایل و شواهد عینی، ایران بر بحرین حکومت می رانده است و شیوخ [بحرین] نیز هر زمان که آزاد بوده اند و حکومت مرکزی [ایران] نیز قدرتمند بوده است، خودشان را خراجگذار و تابع حکومت ایران دانسته اند»؛ ولی در پاسخ به اعتراض اعراب اعلام کرد، «برادران عرب ما باید بدانند که بحرین جزئی از پیکر ماست و مسئله بحرین از جمله منافع حیاتی ایران به شمار می آید.»

▼ انتقاداز شاه وحاشیه نشینی

اردلان در فروردین ۱۳۳۷ به سمت سفیر کبیر ایران در آمریکا تعیین گردید و به واشنگتن رفت. اما این دوره از تصدی وی چندان نپایید، زیرا به علت سخنان انتقادآمیزش درباره سفر غیررسمی شاه از آمریکا و نیز به علت آن که نتوانسته بود مانع انتشار مطالبی در مطبوعات آمریکا راجع به ثروت اندوزی ها و دیگر کارهای غیرقانونی اعضای خانواده سلطنتی ایران شود، شاه را از خود ناراضی ساخت و در بهمن ۱۳۳۸، به مأموریت سفارت او در آمریکا پایان داده شد. روایت جیبیی از علت عزل اردلان از سفارت در آمریکا وجود دارد. گفته می شود محمدرضاشاه یک سفر غیررسمی به آمریکا می کند و در یکی از هتل های بزرگ آن کشور مسکن گزید و یک میهمانی خصوصی

دیپلمات ها



شرکت در اجلاس مجمع جهانی اقتصاد

مهدی صفری، معاون دیپلماسی اقتصادی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران برای شرکت در نشست ویژه مجمع جهانی اقتصاد به عربستان سفر کرد. به گزارش ایسنا، مهدی صفری، معاون دیپلماسی اقتصادی وزیر امور خارجه صبح یکشنبه در فرودگاه ریاض مورد استقبال علیرضا عنایتی، سفیر ایران در عربستان قرار گرفت. براساس آنچه که سفارت ایران در ریاض اعلام کرده است مهدی صفری برای شرکت در نشست ویژه مجمع جهانی اقتصاد با شعار «همکاری بین المللی، توسعه و انرژی» که با حضور سران کشورها و سیاستداران اقتصادی کشورهای مختلف جهان در عربستان برگزار می شود، به ریاض سفر کرده است.



ازسرگیری صدور گذرنامه دانشجویان افغان

سرپرست سفارت افغانستان در تهران در دیدار با عبدالکبیر معاون سیاسی نخست وزیر افغانستان گفت که توزیع گذرنامه برای دانشجویان افغان در ایران از سرگرفته می شود. مولوی عبدالکبیر، معاون سیاسی نخست وزیر حکومت سرپرست افغانستان دیدارهایی جداگانه با فضل محمد حقانی، سرپرست سفارت افغانستان در ایران و بدرالدین حقانی، سرپرست سفارت افغانستان در امارات متحده عربی داشت. در خبرنامه ای که دفتر ریاست عمومی نخست وزیر در حساب رسمی ایکس خود در این رابطه منتشر کرده، آمده است: بدرالدین حقانی ضمن ارائه اطلاعات در مورد فعالیت های سفارت افغانستان در این کشور مطرح کرد که علاوه بر توزیع شناسنامه و پاسپورت به افغان های مقیم دوبی و ابوظبی، بسیاری از مشکلات دیدار سرپرست سفارت افغانستان در امارات از اعلام آمادگی سرمایه گذاران اماراتی در بخش های کشاورزی و تحصیلات عالی خبر داد. در این دیدار او همچنین گفت که تعداد زیادی از دانشجویان افغانستان در ایران در حال تحصیل هستند که به زودی قرار است روند توزیع شناسنامه و پاسپورت برای آنان آغاز شود. حقانی در بخش دیگری از صحبت های خود گفت که در مورد مسئله مهاجرین با طرف ایرانی در حال صحبت هستند.



واکنش واشنگتن به صدور یک حکم اعدام

جیک سالیوان مشاور امنیت ملی دولت جو بایدن روز شنبه به وقت محلی در حساب کاربری خود در شبکه ایکس (توییتر سابق) در تداوم مذاخله جویی و ادعاهای حقوق بشری آمریکا در امور سایر کشورها درباره حکم بدوی دادگاه درباره توماج صالحی خواننده رپ زیرزمینی ایران نوشت: «حکم اعدام توماج صالحی خواننده ر پ ایرانی را به شدت محکوم می کنیم.» مشاور امنیت ملی کاخ سفید درحالی که درباره سرکوب دانشجویان آمریکایی در روزهای اخیر در دانشگاه های آمریکا در حمایت از مردم غزه و مخالفت با کمک ها و حمایت های نظامی و امنیتی آمریکا از اسرائیل سکوت کرده است، درباره توماج صالحی با نوشتن هشتگ نام او به انگلیسی، همسو با مخالفان جمهوری اسلامی ایران، از این نظام به عنوان رژیم یاد کرد و مدعی شد: «صدای او آرزوهای مردم ایران و همه کسانی را که توسط رژیم ساکت شده اند تقویت می کند. ما خواستار آزادی فوری او هستیم.»